

گفت‌وگویی صبا با عوامل فیلم «تدفین»

جنگی که همچنان قربانی می‌طلبد



مریم عظیمی
گفت و گو

«تدفین» فیلمی به نویسندگی و کارگردانی محمد تنابنده و تهیه‌کنندگی امیر سیدزاده است که درامی عاشقانه را در بستری که میراث جنگ هنوز در گوشه و کنارش جریان دارد روایت می‌کند. داستان عشق محمدباقر و ریژوان که دختر دایی اوست و حقیقت هولناکی که پشت مخالفت سخت پدر ریژوان وجود دارد و... نقش‌های اصلی این فیلم را حسین مهری، توماج دانش بهزادی، مجید سعیدی و محمود نظرعلیان بر عهده دارند و فیلم در گروه سینمایی هنر و تجربه اکران می‌شود. در ادامه گفت‌وگویی خبرنگار صبا با عوامل این فیلم را می‌خوانید.

محمد تنابنده نویسنده و کارگردان:

تلاش کردم همه چیز بسیار ساده باشد

سینما برای شما چگونه شروع شد؟

من در دوره مدرسه و کلاس اول راهنمایی یک انشائی به نام باجه نوشتم و معلم پرورشی ما خیلی از این متن خوشش آمد، آنقدر که این متن را در هر مدرسه‌ای که می‌رفت می‌خواند. در آن سال‌ها محسن برادرم به صورت حرفه‌ای تئاتر کار می‌کرد و خیلی مرا به نوشتن تشویق می‌کرد. پس از آن مسئله انشاء احساس کردم که انگار کمابیش استعدادی برای نوشتن در من هست، در همان سال آقای علیرضا نادری در کانون پرورش فکری کلاس‌های خلاقیت و نویسندگی را برگزار می‌کرد و من در کلاس‌های ایشان و آقای حبیب‌الله دانش که در حال حاضر مکتب تهران را در دست دارند، شرکت می‌کردم و به صورت متمرکز روی نوشتن کار کردم و از سال ۸۳ به نوشتن، بازی و ساختن تئاتر مشغول شدم و از ۸۷ در اراک ادبیات نمایشی خواندم و بعد در دانشکده هنر و معماری بازیگری خواندم. کارم را با تله فیلم آغاز کردم و اولین و جدی‌ترین کاری که انجام دادم سریالی بود که برای آقای برزو نیک‌زاد به نام «قرعه» نوشتم که برای شبکه یک بود و خانم الهام غفوری تهیه‌کننده‌اش بودند، بعد از آن سریال «نون خ ۲» را برای ایشان طراحی موقعیت و طراحی قصه کردم و بعد هم «دودکش ۲» و دو قسمت پایانی فصل ۶ سریال پایتخت را نوشتم. در حال حاضر نیز درگیر نوشتن متنی برای آقای منوچهر هادی هستم که یک سریال ۳۰ قسمتی است.

در مورد ایده و شکل‌گیری فیلمنامه «تدفین» بگویید.

من در ابتدا نمایشنامه‌ای به نام «نگهبان مرگ» نوشتم و بعدها که شاگرد علیرضا نادری شدم بر اساس همان نمایشنامه فیلمنامه‌ای به نام «تدفین» نوشتم و فیلم کوتاهش را ساختم ولی چون مترالم برای فیلمنامه کوتاه خیلی زیاد شده بود ترجیح دادم که فیلمنامه بلندش را نیز بنویسم و خیلی علاقه‌مند شدم که خودم آن را بسازم. پس از آنکه صحبت‌های لازم با تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار انجام شد با همکاری و کمک وحید جعفری متن نهایی‌اش را نوشتیم.

انتخاب بازیگران به چه شکل انجام شد؟

بعد از اینکه کار نوشتن متن تمام شد و می‌خواستیم وارد پیش تولید شویم، توماج دانش بهزادی را برای نقش توماج و حسین مهری را برای نقش محمدباقر انتخاب کردم و چون می‌خواستیم فیلمنامه را مجدداً بازنویسی کنیم با هر دوی آنها قرار ملاقاتی گذاشته و مفصل صحبت کردیم و بعد از آن بازنویسی نهایی روی فیلمنامه انجام شد. البته من و توماج دانش بهزادی از سال‌ها قبل با هم دوست بودیم، ایشان استاد دانشگاه هنر و معماری بودند و من هم شاگردشان بودم و از همانجا رابطه دوستانه صمیمی با هم پیدا کردیم. من احساس کردم که بودن ایشان در این کار به من خیلی کمک می‌کند چون فردی که به صورت آکادمیک بازیگری بلد است هم می‌تواند به کارگردان خیلی کمک کند و هم می‌تواند به نقش خودش به شکلی درست و عالی برسد و فیلم «تدفین» اولین و آخرین تجربه همکاری من و توماج نبود و در تجربه دوم که یک سکانس پلان نود دقیقه‌ای به نام «آبستن» و کارگردانی مشترک من و برادرم مصطفی تنابنده است هم توماج دانش بهزادی جزو نقش‌های اصلی بود و آنجا هم کار کردن با ایشان برایم بسیار لذت بخش بود همینطور کار کردن با حسین مهری که فوق‌العاده بازیگر با احساس و باسوادی است. پس از این مرحله یعنی بازنویسی نهایی آقای نظرعلیان و آقای سعیدی را برای کاراکترهای دیگر فیلم انتخاب کردم، یک ماه تمرین کردیم، با یک مشاور لهجه همکاری داشتیم و مدام روی لهجه ایلامی تمرین می‌کردیم و بعد فیلمبرداری‌ها آغاز شد.

با اینکه عشق تم محوری «تدفین» است چرا لوکیشنی بسیار سخت، خشک و خشن انتخاب شده و هیچ کاراکتر زنی هم وجود ندارد؟

ایده‌ای که از ابتدا برای این قصه داشتم این بود که دوست داشتم بگویم جنگ در هر کجای این دنیا که باشد پیامدهایی دارد که امکان

خیلی مزاحم وقتش نشوم چرا که می‌دانم سرش خیلی شلوغ است. اما با وجود این مشغله همیشه به من کمک می‌کند، مشورت‌های زیادی می‌دهد و همانطور که برای یک برادر بزرگتر در میان ما ایرانیان مرسوم است مثل کوه پشتم بوده است.

باز خورد مخاطب تا این لحظه چگونه بوده است؟

شکر خدا هر کسی که تا این لحظه فیلم را دیده و با هر کدام از دوستان و همکاران که در ارتباط بودم همگی نگاه مثبتی به فیلم داشتند و معتقد بودند که «تدفین» فیلم شریفی از آب درآمده است. من هم چه در زمان نوشتن و چه در زمان ساخت تمام تلاش‌م را کردم که همه چیز بسیار ساده باشد و خیلی درگیر زرق و برق نشدم. این تلاش به این خاطر بود تا تماشاگر بیشتر با متن اتمسفر و فضای اثر ارتباط برقرار کند.

سخن پایانی

امیدوارم مخاطبان این دست از فیلم‌ها را در سالن‌های سینما ببینند و همه همکاران و فعالین سینما به هم کمک کنیم تا آثاری از این دست که بی‌ادعا هستند و دغدغه‌های مشخص و ساده اما قشنگ و بزرگ دارند بیشتر بسازیم.

حسین مهری بازیگر:

روانشناسی کاراکتر را مورد توجه قرار می‌دهم

نزدیک شدن به کاراکتر محمدباقر برای شما چگونه بود؟

من فیلمنامه را می‌خوانم و روانشناسی کاراکتر را مورد توجه قرار می‌دهم. اینکه در گذشته چه مسائلی را پشت سر گذشته، چه کودکی، خانواده و موقعیت اجتماعی داشته و پس از آن فیزیک، اکت و ظاهر کاراکتر خودش ساخته می‌شود.

معمولاً صحنه‌های زد و خورد چالش برانگیز هستند. آیا صحنه‌ای که بین شما و توماج دانش بهزادی زد و خوردی رخ می‌دهد چالش برانگیز بود؟

دارد حتی پس از گذشت ۳۰ سال روی زندگی دو جوان تاثیر بگذارد مثل زندگی محمدباقر و توماج قصه ما، بنابراین ترجیح دادم بر خلاف تم فیلم که بر اساس عشق است به اینجا برسم که در فیلم هیچ زنی حضور نداشته باشد اما فیلم درباره عشق حرف بزند، چیزی که انگار در این روزها کمتر به آن پرداخته می‌شود و شاید حقیقت این باشد که بگویم عشق دیگر کمتر پیدا می‌شود. در همین راستا تمام تلاش‌م را کردم و از یک سری المان‌ها استفاده کردم که از طریق آنها زانگی در اثر خلق شود مثل اینکه دختر پشت پنجره و پرده موهای خود را شانه می‌کند و رنگی که در گلدان‌ها مورد استفاده قرار گرفت به این طریق تلاش کردم تا نشانه‌هایی به کار اضافه شود تا کمابیش مقداری لطافت به اثر ببخشد.

با توجه به اینکه داستان مربوط به دهه اخیر است شاید استفاده از واکنم به عنوان وسیله ارتباطی عاشق و معشوق کمی عجیب به نظر برسد.

در ابتدا وسیله ارتباطی این کاراکترها را موبایل در نظر گرفته بودم اما وقتی برای بازدید لوکیشنی سمت مرز مهران رفتم تصمیم گرفتم کاراکترها و نوع ارتباطشان را بیشتر به آن فضا نزدیک کنم چرا که دیدم در آن منطقه استفاده از گوشی‌های هوشمند چندان رواج پیدا نکرده، از طرفی کاراکترهای قصه ما هم به سختی پول در می‌آورند. مثلاً در صحنه‌ای می‌بینیم که محمدباقر اشاره می‌کند بارها باتری واکنم را در آب جوشانده تا دوباره کار کند یا توماج از محل دفن زباله پسماند جمع آوری می‌کند تا برای خودش فضایی هنری بسازد.

تاثیر شهرت برادر تان محسن تنابنده روی رزومه کاری شما چه بود و آیا توانستید مسیر مستقلی که می‌خواستید را طی کنید؟

واقعیت این است که من همیشه تلاش کردم که بتوانم ساختمانی برای خودم بنا کنم. اما همیشه هم از همان کودکی از محسن کمک فکری گرفتم و بسیار آموختم. اما تا جایی که شده چه سال‌هایی که تئاتر کار می‌کردم و چه در سال‌های تحصیلم تمام تلاش‌م را کردم تا